

لئونارد وبستر
پاتریس مرتوآ

- روش تحقیق - روایت پژوهی -

آشنایی با به کارگیری تحلیل روایتی
رویدادهای کلیدی در پژوهش های روایت

ترجمه حسن بودلایی / نرگس قلی زاده



لئونارد وبستر
پاتریس مرتوآ

- روش تحقیق - روایت پژوهی -

آشنایی با به کارگیری تحلیل روایتی
رویدادهای کلیدی در پژوهش های روایت



ترجمه دکتر حسن بودلایی
عضو هیات علمی دانشگاه تهران
دکتر نرگس قلی زاده

سرشناسه	وبستر، لئونارد، ۱۹۵۳ - م. Webster, Leonard
عنوان و نام پدیدآور	روش تحقیق روایت پژوهی: آشنایی با به کارگیری تحلیل روایتی رویدادهای کلیدی در پژوهش های روایت/ نویسندگان لئونارد وبستر، پاتریسی مرتوا؛ مترجمان نرگس قلی زاده، حسن بودلایی. تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۷.
مشخصات نشر	۱۹۲ص.
مشخصات ظاهری	۹۷۸-۶۲۲-۶۰۲۶-۵۶-۷
شابک	فیپا
وضعیت فهرست نویسی	Using narrative inquiry as a research method : عنوان اصلی: : an introduction to using critical ...,2007.
یادداشت	آشنایی با به کارگیری تحلیل روایتی رویدادهای کلیدی در پژوهش های روایت.
عنوان دیگر	روش تحقیق روایت پژوهی: آشنایی با به کارگیری تحلیل روایتی رویدادهای کلیدی در پژوهش های تعلیم و تعلم.
عنوان دیگر	پرس و جوی روایی (روش تحقیق)
موضوع	Narrative inquiry (Research methods)
موضوع	مرتوا، پاتریسی، ۱۹۷۵ - م. Mertova, Patricie
شناسه افزوده	قلی زاده، نرگس، ۱۳۵۸ - مترجم
شناسه افزوده	بودلایی، حسن، ۱۳۶۰ - مترجم
شناسه افزوده	۱۳۹۷/۲۹ و ۱۳۹۵/۲۹ Hf
رده بندی کنگره	۳۰۰/۷۲۳
رده بندی دیویی	۵۳۹۶۰۹۱
شماره کتابشناسی ملی	



روش تحقیق روایت پژوهی: آشنایی با به کارگیری تحلیل روایتی رویدادهای کلیدی در پژوهش های روایت	مولفان: لئونارد وبستر، پاتریسی مرتوا
مترجمان: حسن بودلایی، نرگس قلی زاده	نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان	طراح و گرافیک: پرویز بیانی
چاپ: هوران	آماده سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان
تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.	
دفتر نشر: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، ط ۲، واحد ۵۰۷	
تلفن: ۰۰۲-۶۶۴۶۶۰۰۲ تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com	
فروشگاه: تهران، خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۷	
تلفن: ۰۰۱-۶۶۴۶۶۰۰۱	sociologybookstore
اندیشه احسان	

فهرست

۱۱	تقدیر و سپاس
۱۳	درآمد
۱۵	فصل ۱: مقدمه
۱۵	چرا روایت؟
۱۶	روایت و تجربه انسان
۱۸	روایت به عنوان رهیافتی جایگزین در پژوهش: موضوعات پژوهشی معاصر
۲۱	فلسفه، جهان بینی و روایت
۲۴	روایت در سراسر رشته ها
۲۴	پژوهش روایتی و طرفداران آن
۳۱	گزیده فصل
۳۳	فصل ۲: روایت در پژوهش
۳۴	مقدمه ای بر رهیافت های مبتنی بر داستان در پژوهش
۳۵	چرا روایت؟
۳۸	پدیدارشدن اهمیت روایت در پژوهش آموزشی
۴۳	ویژگی های روایت به عنوان یک روش تحقیق
۴۵	پیچیدگی و محوریت انسان در پژوهش

۴۸	عملیاتی سازی روایت در پژوهش
۴۹	روایت پژوهی و روش های پژوهشی ترکیبی کمی و کیفی
۵۱	گزیده فصل

۵۳	فصل ۳: نظریه ها و فلسفه های زیربنایی روایت
۵۳	مدل ها و نظریه های زیربنایی تحلیل روایت
۵۸	فلسفه های زیربنایی تحقیقات آموزشی
۶۰	پسامدرنیسم، جهان بینی، روایت و فرهنگ
۶۲	روایت پژوهی در عصر معاصر
۶۹	گزیده فصل

۷۱	فصل ۴: نمونه های داستانی در روایت پژوهی
۷۱	مقدمه ای بر داستان ها
۷۳	داستان شماره ۱: روایت پژوهی در آموزش قانونی
۷۳	منابع
۷۳	متن داستان
۷۴	داستان ها
۷۴	مدرس حقوق
۷۶	یک توسعه دهنده آموزشی
۷۸	پژوهش روایت در آموزش پزشکی
۷۸	رشته
۷۸	منبع
۷۸	متن داستان
۷۹	داستان
۷۹	استاد پزشکی
۸۰	داستان شماره ۳: روایت به عنوان یک روش تحقیق در آموزش
۸۰	زمینه
۸۰	منبع
۸۰	متن داستان

داستان.....	۸۱
مدرس ارشد در آموزش.....	۸۱
داستان شماره ۴: روایت در متون مختلف فرهنگی.....	۸۳
رشته.....	۸۳
منبع.....	۸۳
متن داستان.....	۸۳
داستان.....	۸۳
سفر من با روایت.....	۸۳
داستان شماره ۵: روایت در عملکرد بالینی.....	۸۶
رشته.....	۸۶
منبع.....	۸۶
متن داستان.....	۸۶
داستان.....	۸۷
داستان شماره ۶: عدالت اجتماعی در آموزش گروه‌های اقلیت.....	۸۹
رشته.....	۸۹
منبع.....	۸۹
متن داستان.....	۸۹
داستان‌ها.....	۹۰
مدیر، ایالات متحده آمریکا.....	۹۰
استاد، نیوزیلند.....	۹۰
استاد، رژیم صهیونیستی (اسرائیل).....	۹۱
استاد، نیوزیلند.....	۹۱
دانش‌آموز ماوری، نیوزیلند.....	۹۱
یک استاد بدوی، رژیم صهیونیستی (اسرائیل).....	۹۱
یک استاد غیر بدوی، رژیم صهیونیستی (اسرائیل).....	۹۲
یک استاد بدوی، رژیم صهیونیستی (اسرائیل).....	۹۲
داستان شماره ۷: تغییرات اجتماعی در بریتانیا در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰.....	۹۲
رشته.....	۹۲

منبع.....	۹۲
متن داستان.....	۹۳
داستان‌ها.....	۹۳
خانه‌های رؤیایی.....	۹۳
امکانات مدرن.....	۹۴
ماشین یک ستاره است.....	۹۵
داستان شماره ۸: روایت‌پژوهی در روان‌کاوی ناتوانی ذهنی.....	۹۶
رشته.....	۹۶
منبع.....	۹۶
متن داستان.....	۹۶
داستان‌ها.....	۹۷
رهبر پروژه (یک روان‌کاو).....	۹۷
توسعه‌دهنده آموزشی.....	۱۰۲
مدیر پروژه (یک جامعه‌شناس).....	۱۰۴
داستان شماره ۹: کیفیت روایت‌پژوهی در آموزش عالی.....	۱۰۵
رشته.....	۱۰۵
منبع.....	۱۰۵
متن داستان.....	۱۰۶
داستان رئیس بخش مطالعات بین‌الملل (جمهوری چک).....	۱۰۷
گزیده فصل.....	۱۱۸
فصل ۵: رهیافت رویدادهای کلیدی در روایت.....	۱۲۱
روایت و رویدادهای کلیدی.....	۱۲۱
رویدادهای کلیدی.....	۱۲۵
یک رویداد کلیدی چیست؟.....	۱۲۵
پیش‌زمینه‌ای مختصر بر رویدادهای کلیدی و تفکر انسانی.....	۱۲۷
اهمیت رویدادهای کلیدی.....	۱۳۰
رویدادهای کلیدی، شبه رویدادها و دیگر رویدادها.....	۱۳۱

دسته‌بندی‌های تحلیلی داده‌ها.....	۱۳۱
مثال‌هایی از یک رویداد حیاتی.....	۱۳۳
یک کارآموز کنترل ترافیک هوایی_ یک روز بد.....	۱۳۴
داستان یک فرد دانشگاهی.....	۱۳۶
شناسایی رویدادهای کلیدی.....	۱۳۸
جمع‌آوری داستان‌ها.....	۱۴۲
تحلیل و گزارش رویدادهای کلیدی.....	۱۴۴
گزیده فصل.....	۱۴۶
فصل ۶: بازاندیشی روایی و پایایی.....	۱۴۷
مقدمه.....	۱۴۷
راه‌های ایجادشده برای مشاهده روایی و پایایی.....	۱۴۹
روایی.....	۱۴۹
پایایی.....	۱۵۳
بازاندیشی روایی و پایایی.....	۱۵۴
دسترسی.....	۱۵۴
دسترسی به بافت، فرایند و تولید دانش.....	۱۵۵
دسترسی به داده‌ها.....	۱۵۹
صداقت، راست‌نمایی و صحت.....	۱۶۰
راست‌نمایی یا صداقت.....	۱۶۲
آشنایی.....	۱۶۴
انتقال‌پذیری.....	۱۶۵
اقتصاد.....	۱۶۶
موضوعات اخلاقی.....	۱۶۷
گزیده فصل.....	۱۶۸
فصل ۷: چارچوبی برای پژوهش روایت.....	۱۶۹
مروری بر رهیافت رویداد کلیدی در روایت.....	۱۶۹
چارچوبی برای پژوهشگر.....	۱۷۰

فرایندها	۱۷۱
ابزارها	۱۷۱
معیارها	۱۷۱
ساختار	۱۷۴
فرایندها - یک خلاصه	۱۷۵
مذاکره	۱۷۵
خطرات	۱۷۶
نتایج	۱۷۷
نمونه ای از یک چارچوب	۱۷۸
تثبیت موقعیت روایت پژوهی	۱۸۶
روایت پژوهی و نیازهای پژوهشی آینده	۱۸۸
تجربه انسان محور	۱۸۸
پژوهش در یادگیری و آموزش	۱۸۸
پژوهش بینارشته‌ای	۱۸۹
روایت به عنوان رهیافت ارزیابی	۱۹۰
نتیجه گیری	۱۹۱

تقدیر و سپاس

در اینجا لازم است از آقای بیل پاتر به جهت کمک‌های بی‌دریغ و بسیار ارزشمند ایشان در ویرایش این کتاب تشکر کنیم. همچنین از استاد دانشگاه خانم سو مک نامارا به جهت مصاحبه انجام گرفته درخصوص تجارب ایشان در روایت پژوهی، در پژوهش‌های آموزش عالی و همچنین نقل داستان تجارب حرفه‌ای ایشان به عنوان توسعه‌دهنده امر آموزش تشکر می‌کنیم. سپاس و تقدیر فراوان از دکتر لس هنسون به جهت انعکاس تجارب خود در استفاده از روایت در امور تبلیغاتی و همچنین پروژه‌های دوره دکتری ایشان.

همچنین از استاد دانشگاه آقای یان هولزر به منظور نقل داستان «رویداد کلیدی» خود تشکر می‌کنیم؛ داستانی که توانست دیدگاهی از توسعه سیستم آموزشی در کشور جمهوری چک را در سال‌های پس از ۱۹۸۹ در اختیار ما قرار دهد.

در نهایت لازم است از حمایت مستمر خانواده خود (همسر و فرزندان لئونارد، چیلیان، لیندا، استفان و جیمز وبستر و همسر پاتریشیا، تیم هوربری) در تمامی مراحل، صمیمانه تشکر کنیم.

لئونارد وبستر

پاتریشیا مرتوا

درآمد

در این کتاب سعی کردیم یکی از رهیافت‌های پژوهشی را با استفاده از داستان‌های تجارب انسان در پژوهش‌های تعلیم و تعلم، به‌طور خلاصه بیان کنیم. تجربه خود ما از این رهیافت، خالی از جذابیت و پرسش‌گری نیست و دیدگاه‌های مدیریت‌پذیر و کل‌نگرانه‌ای نسبت به پیچیدگی‌های انسان ارائه می‌کند که به نظر، از ماهیت کاوشگرانه سایر سنت‌های پژوهشی گریخته‌اند.

با این وجود متوجه شدیم که مسیر ما در استفاده از داستان تجارب انسان، اغلب به سبب ماهیت پراکنده ادبیات، دچار توقف و سردرگمی می‌شود. به‌علاوه این مسیر همواره به‌عنوان روشی برای جستار در نظر نمی‌آمد، بلکه اغلب ابزاری برای جمع‌آوری داده‌ها در ظرف یک روش تحقیقی و در قالب ارجاع‌های عمومیت بخشیده‌شده به روایت بود و گاهی اوقات نیز به روایت در قالب استفاده از خودش، اعتبار می‌بخشید. در مسیر پژوهش‌های خود درخصوص روایت و روایت‌پژوهی، به نکات مهم و ارزشمندی در مورد چرایی ارزشمندبودن روایت به‌عنوان یک روش تحقیق دست یافتیم، با این وجود به منبع واحدی که بتواند به شکلی جامع، چگونگی استفاده از روایت توسط پژوهشگران را توضیح دهد، دست نیافتیم. بنابراین تلاش کردیم تا برای استفاده خود از روایت‌ها و داستان تجارب انسان به‌عنوان یک روش تحقیق و البته روشی برای ارزیابی دوره در فرایند تعلیم خود توضیحی ارائه کنیم.

امید می‌رود کتاب پیش رو، به کسانی که ممکن است در پژوهش‌های خود استفاده از روایات و داستان‌های تجارب انسان را مد نظر قرار دهند، کمک کند. استفاده از داستان در پژوهش به سبب ماهیت آن به این معنا است که پژوهشگر به کندوکاو در ماهیت انسان‌محور یادگیری و موضوعات وابسته به پیچیدگی انسان به نحوی کل‌گرایانه و فراتر از تقسیمات سنتی

تمایل دارد. با در نظر گرفتن این امر، نه تنها به تلخیص برخی از فلسفه‌ها و شالوده‌های این موضوع پرداختیم، بلکه تجارب خود در استفاده از رهیافت رویدادهای کلیدی را نیز به منظور یافتن راهی به درون حجم روبه گسترش داده‌های قابل جمع‌آوری دخیل ساختیم. پژوهشگر باید شجاع باشد تا اجازه دهد رویدادهای کلیدی از دل داده‌های تحقیقاتی او سربرآورند و نیز در مقابل طراحی اولیه نتایج جای گرفته در سایر سنت‌های پژوهشی، به سختی مقاومت کند.

بر همین اساس، کتاب پیش رو با هدف آنکه به یک اندازه، نقطه شروعی برای پژوهشگران تازه‌کار و باتجربه باشد، تألیف شده است. این کتاب دیدگاهی از روایت را در اختیار آن دسته از افرادی قرار می‌دهد که به نوعی در دوره‌های روش تحقیق دخیل هستند. به عقیده ما روایت پژوهی به شکلی ایده‌آل، مناسب موضوعات مرتبط با پیچیدگی و انسان‌محوری است که البته موضوعات بسیار مهمی در مواجهه پژوهشگران و توسعه‌دهندگان امر آموزش محسوب می‌شوند. این کتاب بر آن است که ارزش و کاربرد استفاده از رهیافت رویدادهای کلیدی به روایت را به عنوان ابزاری پژوهشی در طیف متنوعی از موقعیت‌های آموزش و یادگیری به تصویر کشد و به همین سبب، مشتمل بر فصل‌هایی درخصوص پیشینه، روش‌شناسی و مطالعات موردی مرتبط با به کارگیری روایت پژوهی به عنوان روش تحقیق است.

در طول مسیر تألیف این کتاب افراد مؤثری دخیل بودند که حمایت‌شان، انتشار آن را ممکن ساخت؛ از فرد به فرد دانشجویان مقطع دکتری در نظارت بر تحقیقات گرفته تا همکاران ما در دانشگاه موناخ و البته دیگر نقاط جهان. امید است تا دیگران نیز این مسیر را آن‌گونه در نظر ما بود، جذاب و پرازش بیابند.

لئونارد ویستر و پاتریشیا مرتوا

نوامبر ۲۰۰۶

فصل ۱ مقدمه

چرا روایت؟

در طول بیش از دو دهه گذشته، موضوع روایت به دو طریق شتاب گرفته است؛ به طور عمومی به عنوان زمینه‌ای در ادبیات پژوهشی آموزش و به طور خاص و اخیراً به عنوان یک روش‌شناسی تحقیقی نوظهور با ظرفیت استفاده در طیف گسترده‌ای از رشته‌ها. (از فلسفه، آموزش و پرورش، الهیات و روان‌شناسی گرفته تا اقتصاد، پزشکی، زیست‌شناسی و علوم محیط زیست) روایت‌پژوهی در داستان تجارب انسان قرار گرفته است. روایت‌پژوهی چارچوبی غنی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد تا به وسیله آن، به کاوش در راه و رسم تجربه انسان از جهانی بپردازند که در قالب داستان‌های بشر مصور شده است. این مطلب را فیلسوف هستی‌گرای فرانسوی ژان پل سارتر در کتاب خود با عنوان کلمات (۱۹۶۴) چنین بیان می‌کند:

مردم همواره ناقل داستان‌ها هستند.
آنها در محاصره داستان‌های خود و دیگران
زندگی می‌کنند، آنها همه چیز را می‌بینند

که در قالب داستان برای‌شان رخ می‌دهد
و سعی می‌کنند تا زندگی خود را به‌گونه‌ای بگذرانند که گویی
در حال بازگویی آن داستان‌ها هستند.

روایت برای پرداختن به پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های تجارب انسان در
تعلیم و یادگیری بسیار مناسب است. این فصل از کتاب بیان می‌دارد که
رهیافت پژوهشی روایت، با توانایی تمرکز بر رویدادهای کلیدی زندگی و
همزمان، کاوش در دیدگاه‌های کل‌گرایانه، می‌تواند ظرفیت ارزشمندی را
برای پژوهشگران در طیف گسترده‌ای از زمینه‌های یادگیری فراهم سازد.

روایت و تجربه انسان

از دیرباز تا کنون، روایت تصویرگر تجارب و تلاش‌های بشر در طول تاریخ
بوده است. روایت، تجربه انسان را در قالب ساخت و بازسازی داستان‌های
شخصی ثبت می‌کند و برای پرداخت موضوعات مرتبط با پیچیدگی و
محوریت فرهنگی و انسانی، بسیار مناسب است و این، به جهت ظرفیت
روایت در ثبت و بازگویی رویدادهایی است که بیشترین تأثیر را بر ما
داشته‌اند. چنین موضوعاتی نقش برجسته‌ای در بسیاری از فعالیت‌های
زندگی بشر ایفا می‌کنند.

زندگی مردم براساس روایت‌های موجود برای آنها معنا می‌یابد.
داستان‌ها در سایه رویدادهای جدید به‌طور مرتب بازسازی می‌شوند؛
چراکه در قالبی بسته‌بندی‌شده وجود ندارند، بلکه از طریق روایت‌های
دیرین مرتبط با جامعه یا اشخاص شکل می‌گیرند. روایت به
پژوهشگران اجازه می‌دهد تا تجارب خود را به شکلی کل‌گرایانه با
تمامی پیچیدگی و غنای خود ارائه کنند. روایت مفهوم زمان‌مند و
گذرابی از تجربه را به تصویر می‌کشد که به ما می‌فهماند درک و فهم
افراد و رویدادها تغییر می‌یابند.

براساس نظر کار (۱۹۸۶) روایت با تجارب و اعمال ابتدایی و کوتاه‌مدت گره نخورده است، بلکه با زنجیرهٔ اعمال، تجارب و رویدادهای بلندمدت و گسترده‌تر زندگی انسان عجین است. او معتقد است که کنش، حیات و وجود تاریخی خود همگی به شکل روایت ساخته شده‌اند و مفهوم روایت، شیوهٔ ما در تجربه‌کردن، عمل‌کردن و زندگی‌کردن است؛ چه به‌عنوان یک فرد، یا در قالب جوامع. درواقع روایت طریق ما در زیستن و وابسته‌بودن به زمان است.

دایسون و گنیشی (۱۹۹۴) هر دو معتقدند که همهٔ ما، به جهت سازماندهی تجارب خود و نقل رخدادها، به داستان نیاز اساسی داریم. در روایت، صدای ما منعکس‌کنندهٔ صدای دیگران در جهان اجتماعی- فرهنگی پیرامون است و ما خود - چه در قالب شیوهٔ خود در ساخت داستان و چه در قالب محتوای آن داستان- نشانهٔ هموندی فرهنگی هستیم. روایت را نباید جدا از زندگی واقعی انسان مورد نظر قرار دهیم، بلکه لازم است آن را به مثابه روابط معنادار با حیات انسان در نظر بگیریم:

داستان‌ها کمک می‌کنند تا تنش‌های نهفته در تجارب انسان معنا یافته، ارزیابی شده و منسجم شوند؛ گذشته و حال، تخیلی و حقیقی، رسمی و غیر رسمی، شخصی و حرفه‌ای، متعارف و غیر معمول. داستان‌ها کمک می‌کنند تا حال را دگرگون ساخته و آینده را برای خود و فرزندانمان به‌گونه‌ای شکل دهیم که غنی‌تر و بهتر از گذشته باشد.

(دایسون و گنیشی، ۱۹۹۴، صفحات ۲۴۲-۲۴۳)

این مفهوم همچنین توسط برونر (۱۹۹۴)، کلاندینین و کانلی (۲۰۰۰)، ساربین (۱۹۸۶) و الباز (۱۹۹۱) ذکر شده است:

زندگی آن‌چنان‌که پیش می‌رود، از زندگی به آن شکل که نقل می‌شود جداشدنی نیست... زندگی به معنای «چگونه بود» نیست، بلکه

به معنای چگونگی تفسیر و بازتفسیر می‌شود و چگونگی گفته و بازگو می‌شود است. (برونر، ۱۹۹۴ در دایسون و گنیشی ۱۹۹۴، ص ۳۶)

تجربه به شکل روایت رخ می‌دهد... بنابراین، تجارب آموزشی را باید در شکل روایت مورد مطالعه قرار داد.

(کلاندینین و کانلی، ۲۰۰۰، ص ۱۹)

انسان‌ها فکر می‌کنند، برداشت می‌کنند، تصور می‌کنند و مطابق با ساختارهای، روایتی تصمیمات اخلاقی می‌گیرند.

(ساربین، ۱۹۸۶، ص ۸)

داستان همان ابزار تدریس معلم است، همان چشم‌اندازی که با آن به‌عنوان مدرس و پژوهشگر زندگی می‌کنیم و کار مدرس، در قالب آن معنا می‌یابد. (الباز، ۱۹۹۱، ص ۳)

همبستگی میان روایت و تجارب انسان، آن‌چنان‌که در جملات بالا بیان شد، به معنای آن است که تجربه حرفه‌ای را صرفاً نمی‌توان در قالب شیوه‌های تجربی و استفاده از اشکال آماری به‌دست آورد. با درک ناکافی و محدود بودن این رویکرد، کتاب پیش رو شیوه روایت پژوهی در رویدادهای کلیدی را پیشنهاد می‌دهد. این کتاب ارزش‌های رهیافت مذکور را برجسته ساخته و نسبت به مشکلات موجود در مسیر آن نیز هشدار می‌دهد.

روایت به‌عنوان رهیافتی جایگزین در پژوهش: موضوعات پژوهشی معاصر

مطرح‌ساختن روایت پژوهی به‌عنوان یک رهیافت پژوهشی جایگزین، به هیچ روی در تلاش برای بی‌فایده نشان‌دادن روش‌های کمی نیست. با این وجود معتقدیم که روش‌های کمی در بسیاری از موارد و با توجه به ابعاد مهم و معینی از پدیده‌های تحت مطالعه، کارآمد نیستند. نتایج ما نشان داد که روش‌های کمی به‌صورت مکرر مسائل پیچیده را نادیده می‌گیرند و این

بدان جهت است که این روش، از دامنه کافی برای پرداختن به مسائل پیچیده انسان‌محور برخوردار نیستند. بر همین اساس معتقدیم که روایت‌پژوهی از ارزش خاصی برخوردار است و می‌تواند به‌خوبی در راستای مسائل پیچیده و محوریت فرهنگی و انسان در پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

روایت‌پژوهی در داستان تجارب انسان قرار گرفته است. روایت‌پژوهی چارچوبی غنی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد تا به‌وسیله آن به کاوش در راه‌ورسم تجربه انسان از جهانی پردازند که در قالب داستان‌های بشر مصور شده است. پل (۲۰۰۲) معتقد است که روایت‌پژوهی براساس این فرض شکل می‌گیرد که ما به‌عنوان انسان تجارب تصادفی خود را با وضع یک ساختار داستانی بر روی آنها معنا می‌بخشیم. ما عناصری از تجربه خود را انتخاب می‌کنیم که به آن توجه داریم و سپس آن عناصر را به طریقی که منعکس‌کننده داستان‌های مورد نظر ما باشند، شکل می‌دهیم. روایت، بازسازی عینیت‌گرایی از زندگی نیست، بلکه تفسیر و بازگفت چگونگی برداشت ما از زندگی است. بدین طریق، روایت مبتنی بر تجارب حیات مخاطب است و بخش‌های منتخبی از زندگی بشر را به دنبال دارد.

روایت‌پژوهی بر آن است تا «تمام داستان» را در بر بگیرد و این در حالی است که دیگر روش‌ها، با درک از موضوعات مورد مطالعه، تنها به مراحل معینی پرداخته و اغلب، مراحل «میان‌آیند» و مهم را نادیده می‌گیرند. روایت‌پژوهی مسائل را به‌عنوان اشکالی از نقل داستان که هم در داستان‌های شخصی و هم در داستان‌های اجتماعی دربرگیرنده شخصیت‌هایی هستند، مورد مطالعه قرار می‌دهد. درواقع روایت‌پژوهی مستلزم آن است تا در استفاده از روایت، فراتر از ساختارهای بلاغی برویم و به بررسی تحلیل بینش‌های نهفته و مفروضات مصور در داستان پردازیم. یکی از مساعدت‌های مهم و اساسی روایت در زمینه پژوهش به شیوه و چارچوب آن در مطالعه تجارب انسان باز می‌شود. مفهوم روایت را

می‌توان بینشی در نظر گرفت که پژوهش در آن به معنای ساخت (یوناسن، ۱۹۷۷) و بازسازی داستان‌های شخصی و اجتماعی است. علاوه بر این، روایت می‌تواند تلنگری بر موقعیت اجتماعی یا فرهنگی این ساخت باشد. درست همان‌طور که یک داستان پیچیدگی‌های شخصیت‌هایش، روابط میان آنها و موقعیت آن را نمایان می‌سازد، مسائل پیچیده را می‌توان به این شیوه مورد کاوش قرار داد.

روایت‌پژوهی در پرکتیس و پژوهش، در شماری از رشته‌ها و زمینه‌ها شتاب گرفته است که بخشی از آن، به جهت فشارها و تنگناهای روش‌های پژوهشی متداول و عدم سازگاری آنها با پیچیدگی‌های مربوط به کنش‌های افراد است. با این وجود، حرکت به سمت استفاده از رهیافت روایت، همچنین تحت تأثیر تحولات تفکر فلسفی قرار گرفته است؛ تحولاتی به سوی دیدگاهی پسامدرن‌تر و با توجه به فردیت و پذیرش تأثیر تجربه و فرهنگ بر شکل‌گیری دانش. روایت‌ها همچنین به مسائلی که در رهیافت‌های سنتی متجلی نمی‌شوند، حساسیت نشان می‌دهند.

رویدادهای خاص، بخش مهمی از زندگی ما را تشکیل می‌دهند؛ چراکه اطلاعات معناداری در مورد شخصیت ما ارائه می‌دهند و شکل روایتی در ارائه و بازگویی این رویدادها، می‌تواند ساختار خاصی برای درک و انتقال این معنا فراهم سازد.

(نیسر و فیووش، ۱۹۹۴ ص ۱۳۶)

روش‌های سنتی در پژوهش‌های تجربی مفهوم «روایی» را محدود کرده‌اند. این روش‌ها آزمون‌ها و ابزار سنجش را بهترین ابزار اعتبارسنجی یافته‌های پژوهشی می‌دانند که در قالب نظام‌های رسمی پرکتیس کرده و بر موشکافی و باریک‌سنجی تجربی متمرکز هستند. از طرف دیگر پژوهش‌های روایتی سعی در تولید نتیجه‌گیری‌های قطعی ندارند، بلکه به دنبال ایجاد «زمینه مناسب» و «حمایت» از یافته‌های خود هستند، تا تأکید بر واقعیت زبان‌شناختی تجارب انسان حفظ شود. پژوهش روایتی مدعی ارائه چیزی

با عنوان دقیق «حقیقت» نیست، بلکه به دنبال «باورپذیری»^۱ است و اینکه نتایج به دست آمده از ظاهر حقیقت یا واقعیت برخوردار هستند. همان طور که کارل پوپر بیان می کند ما در بهترین حالت می توانیم کذب مسائل را اثبات کنیم، نه حقیقت آنها را. بنابراین نتایج پژوهش های روایتی عموماً با انتهای باز باقی می ماند. (پلکینگ هورن ۱۹۸۸)

در خصوص موضوع روایی در پژوهش، پلکینگ هورن (۱۹۸۸) به این نکته نیز می پردازد که اغلب تفسیر مهمی از نتایج آماری می شود، بدون آنکه نسبت به انتخاب تصادفی عناصر نمونه آن جامعه آماری دقتی شود. در پژوهش روایتی، یافته ها زمانی معنادار هستند که از اهمیت برخوردار باشند. همچنین مشاهده می شود که در پژوهش های کمی، «پایایی» به همبستگی و پایداری ابزارهای سنجش باز می شود، درحالی که در پژوهش های روایتی توجه به سوی «قابل اطمینان بودن» یادداشت های میدانی و متن مصاحبه ها معطوف است.

داستان ها نیروی اقناع خود را نه از اثبات پذیری، بلکه از باورپذیری خود به دست می آورند: داستان ها زمانی واقعی خواهند بود که واقعی به نظر برسند.

(آمستردام و برونر، ۲۰۰۰، ص ۳۰)

پژوهش کمی عموماً به دنبال نتایج است و اغلب تأثیر تجربه را نادیده می گیرد، درحالی که روایت پژوهی به پژوهشگران مجال درک تجارب را می دهد.

فلسفه، جهان بینی و روایت

پیش از آنکه در بحث از مساعدت های فلسفه در پژوهش فرو برویم، لازم است پیش فرضی مهم و اساسی در فلسفه را مورد توجه قرار دهیم. این

پیش فرض آن است که سنت‌های فلسفی در مقایسه با پیشرفت‌های فناورانه با کندی تغییر می‌یابند. طریقه خاصی از درک یا نگرش به حقیقت و دانش (که پدیده‌های فلسفی محسوب می‌شوند) عموماً برای دهه‌های متمادی دست‌نخورده باقی‌مانده و به کندی دچار تغییر می‌شوند. این در حالی است که الگوهای آموزش و یادگیری ممکن است با گذر هر دهه و تغییر یک نسل، یا در واکنش به پیشرفت‌های فناورانه دستخوش تغییر شوند. اگر کمی عقب بایستیم و نگاه فلسفی وسیع‌تری به پژوهش در آموزش و یادگیری بیندازیم، شاید بتوانیم رهیافت‌های نوینی در روش‌شناسی پژوهش بیابیم که کمتر متأثر از آمدورفت الگوها و نظریات زودگذر باشند.

فلسفه دارای سه بعد اصلی است: معرفت‌شناسی، هرمنوتیک و جهان‌بینی. این ابعاد وسیله ارتباط تفکر فلسفی به پارادایم (الگوواره‌های) پژوهش در آموزش و پرورش محسوب می‌شوند. باناتی (۱۹۹۶) معرفت‌شناسی را زمینه پاسخ به سؤالات کلی مانند «چگونه آنچه را که می‌دانیم، می‌دانیم؟» و شاید مهم‌تر از آن «حقیقت چیست؟» توصیف می‌کند. درخصوص پژوهش‌های آموزش و پرورش، مسئله فلسفی اساسی به رابطه میان «یادگیری» به عنوان یک فرایند و «دانش» براساس حقیقت باز می‌شود. در درون پژوهش‌های آموزش و پرورش، مسئله دانش و حقیقت ممکن است به عنوان دو جایگاه متضاد از درک علمی حقیقت به نظر آیند؛ آن‌چنان‌که مریل (۱۹۹۶) به آن معتقد است و آن‌چنان‌که الگوهای مختلفی از درک انسان‌محور نسبت به حقیقت، کل‌گرایانه و ذهنیت‌بنیاد است. (ریوز، ۱۹۹۶)

هرمنوتیک یا همان هنر و علم تفسیر بر قلمرو مفاهیم معرفت‌شناسی و حقیقت می‌افزاید و چارچوب وسیع‌تری در اختیارمان قرار می‌دهد تا از دریچه آن، ابعاد حقیقت را آن‌چنان‌که به موضوعات کنونی در پژوهش مرتبط می‌شوند، نظاره‌گر باشیم.

هرمنوتیک چارچوبی از مدرنیته و پسا مدرنیته را ارائه می‌کند تا به وسیله آن «چگونه آنچه می‌دانیم، می‌دانیم؟» را براساس مفهوم معرفت‌شناختی

حقیقت تفسیر کنیم. بنابراین، با اتخاذ یک رویکرد مدرن‌گرا، احتمالاً مریل به دنبال بیان آن است که «چگونه هرآنچه را که می‌دانیم، می‌دانیم؟» زاده یک حقیقت غایی و عینیت‌گرا است. در مقابل، در چارچوب پسامدرنیته، ریوز به تفسیر «چگونه هرآنچه را که می‌دانیم، می‌دانیم؟» در سایه حقایق چندگانه و ذهنیت‌گرا می‌پردازد.

شاید بتوان دو چارچوب مدرنیته و پسامدرنیته را به‌عنوان نیروهای اصلی در تفکر فلسفی دانست که تحولات فکری در پس آموزش و یادگیری و روش‌های پژوهشی وابسته را تحت تأثیر خود قرار داده و می‌دهند. مفاهیم حقیقت که در چنین فلسفه‌هایی جای گرفته‌اند، تعیین‌کننده تأثیر آن فلسفه بر برداشت از واقعیت هستند. در چنین برداشتی از واقعیت است که الگوواره‌های پژوهشی در آموزش و پرورش به‌طور خاص مورد توجه قرار می‌گیرند.

در آن سوی چارچوب مدرنیته و پسامدرنیته، برداشت غالبی از واقعیت قرار گرفته است که دیدگاه‌های فلسفی را به نگرش یک فرد از جهان پیرامون خود تبدیل می‌کنند و بر همین اساس، تعیین‌کننده پدیده‌های دانش در هر مورد هستند. این برداشت به‌عنوان جهان‌بینی توصیف می‌شود.

به عقیده هنسون (۱۹۹۲) جهان‌بینی برداشتی از واقعیت براساس پیش‌فرض‌ها، مفاهیم و پیش‌گزارده‌های اساسی است که توسط اعضای یک فرهنگ یا خرده‌فرهنگ به اشتراک گذاشته می‌شود. جهان‌بینی‌ها در دل داستان‌هایی که نقل می‌شوند، جای گرفته‌اند. داستان‌ها سازوکار ابراز آن دیدگاه‌ها در بافت پژوهش‌های آموزش و پرورش هستند. مدرنیته منعکس‌کننده نوعی جهان‌بینی است که به تشریح موضع اتخاذشده در پژوهش‌های تجربی سستی کمک می‌کند. به همین شکل، نویسندگانی همچون ریوز (۱۹۹۶)، که احتمالاً از موضع پسامدرن‌گرتری برخوردار هستند، مسائل مورد نظر خود را از رهگذر جهان‌بینی مختص خود به پیش می‌برند. عنصر بسیار مهم و اساسی در اینجا آن است که به‌رغم حفظ هویت

تاریخی در فلسفه مدرنیته و پسامدرنیته، جهان‌بینی به شکلی نزدیک با عناصر انسانی در هر زمانی از فعالیت‌ها و تجارب انسان در ارتباط است.

روایت در سراسر رشته‌ها

در طول بیش از دو دهه گذشته توجه به روایت به‌عنوان یک مولفه کلی در پژوهش‌های آموزش و پرورش و اخیراً به‌عنوان روشی در جستارهای تحقیقاتی به شکل چشمگیری در میان طیف متنوعی از رشته‌های تحصیلی رشد یافته است. منابع روش‌شناسی اصلی در این زمینه، توسط مطالعات ادبی و زبان‌شناسی اجتماعی فراهم شد و از درون چنین منابعی بود که شماری از رهیافت‌های روایت‌پژوهی توسعه یافتند. بنابراین، اشاره به این نکته مهم است که در حال حاضر، هیچ روش واحدی در روایت‌پژوهی وجود ندارد، بلکه شماری از روش‌ها در دسترس هستند که در میان رشته‌های مجزا پراکنده شده‌اند. این رهیافت‌های روایت‌پژوهی، عموماً با سایر رهیافت‌های روش‌شناختی و فلسفه حاکم در زمینه خاصی از مطالعه ترکیب می‌شوند. با در نظر گرفتن قابلیت استفاده از روایت‌پژوهی در آینده به‌عنوان روش تحقیق تنها نقطه ضعف آن را می‌توان عملاً در پراکندگی کاربرد آن دانست. می‌توان اذعان کرد که در حال حاضر هیچ رهیافت روش‌شناختی یکپارچه‌ای درخصوص روایت‌پژوهی در دسترس نیست تا به پژوهشگران در به‌کارگیری آن در رشته‌های گوناگون کمک کند. بر همین اساس، گفتار پیش رو با مطرح ساختن رهیافت روایت‌پژوهی در رویدادهای کلیدی، تلاشی است در جهت پرکردن این فاصله.

پژوهش روایتی و طرفداران آن

هویت‌شناسی بازیگران و رویدادهای کلیدی به ایجاد زمینه لازم برای ظهور محبوبیت روایت‌پژوهی در پژوهش‌های معاصر کمک می‌کند. به نظر